

نقد و منتقد سینمایی

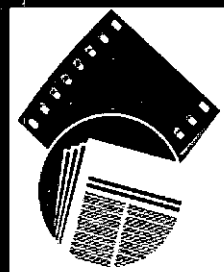
با سپاس از آقایان: حسین کیتی، امیرحسین بابایی، محمد هاشمی، هومن ظریف، داوود زادمهر، مهدی فلاح‌صیبر
خانم‌ها: الیز دیمان، نادیا زکالوند، اشرف التعداد، موسی و بیبا خداداد

جایگاه نقد و منتقد سینما!!

نوشتن درباره‌ی آثار سینمایی، از همان آغاز ورود سینما به ایران در عرصه‌ی سینمای ایران رایج شد. هر چه سینما توسعه یافته و گسترده شده، دامنه‌ی سینمایی‌نویسی نیز همپای رشد کمی و کیفی محصولات سینمایی گسترده‌تر و تخصصی‌تر شده است، تا به آن جا که سینمایی‌نویسی کلی تبدیل به نقدنویسی در خصوص آثار سینمایی شده و به عبارتی تخصصی گشته است. روند تکاملی سینمایی‌نویسی و نقدنگاری، باعث تولد منتقدان و سینمایی‌نویسان حرفه‌یی شده و همان‌ها با آثار قلمی خود، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی بر سینما و حیات و ممات آن گذاشته‌اند. بزرگانی چون «طغرل افشار، پرویز دوابی، هوشنگ کاووسی، مسعود ارجمند» و ... طی سال‌ها نقدنویسی، بر رشد کیفی و کمی و اصلاح ساختار سینمای کشور تأثیرات انکارناپذیری داشته‌اند. رشد و تکامل نقدنویسی و نوشتن درباره‌ی سینما، علاوه بر ظهور ده‌ها منتقد، تولد ده‌ها نشریه‌ی تخصصی سینمایی و هنری را نیز به همراه داشته است. گرچه در سال‌های بعد از انقلاب، شاگردان خلف منتقدان سینمایی برجسته‌ی کشور و معدودی از خوشنامان عرصه‌ی نقدنویسی در این راستا فعال بوده و به رسالت راستین خود عمل کرده‌اند، اما به موازات نارسایی‌ها، نواقص و معضلات مناسباتی و مدیریتی سینما و آشفتگی‌های موجود در بیکری آن، این منتقدان هم - به رغم تلاش‌های فعالان و پیشکسوتان - دچار مشکلات و نارسایی‌های کاری و صنفی شده و اوضاع چندان بسامانی ندارند. موضوع مشترک «نقد و منتقد»، پرونده‌ی موضوعی این شماره‌ی «نقد سینما» است که نویسندگان، منتقدان و هنرمندان درباره‌ی آن گفته و نوشته‌اند. با ما در خوانش این پرونده همراه شوید.

- پیدایش نوشتندگان و منتقدان سینمایی
- نگاهی به انواع شیوه‌های نقادی معطوف به مؤلف
- مقوله‌ی نقد در ادبیات و سینمای ایران
- نقد فیلم در ایران (از دهه‌ی ۳۰ تا دهه‌ی ۷۰)
- آرمش در حضور منتقدان
- سلیقه در کنار معیار
- چگونه فیلمی را نقد کنیم؟
- لذت مکاشفه‌ی هزارنوی سینما
- نکاتی پیرامون نقدنویسی و چارچوب‌های اصلی آن
- علم نقد، علم منتقد





مروری گذرا بر نقد فیلم در مطبوعات پس از انقلاب اسلامی

پیدایش نویسندگان و منتقدان سینمایی

مجله‌ی فیلم در شرایطی به نقد فیلم پرداخته بود که بسیاری از نویسندگان و منتقدان سینمایی، یا خانه‌نشین شده و یا از کشور خارج شده بودند، پس از اشخاصی استفاده می‌شد که شهرت افراد قبل از انقلاب را نداشتند؛ از جمله «احمد امینی»، به عنوان منظم‌کننده‌ی بخش نقد فیلم این مجله، که تا پیش از این در نشریات غیرسینمایی از جمله مجله‌ی «اطلاعات هفتگی» به کار نوشتن نقد می‌پرداخت.

فیلم حدود ۱۰ سال یک‌هتاز و پایگاه اصلی نقد فیلم ایرانی بود (در این زمان هیچ نشریه‌ی تخصصی سینمایی دیگری منتشر نشد)؛ مشخصات فیلمهای اکران شده و حتی شناسنامه و خلاصه‌ی داستان فیلمهایی که به دلایلی به نقد در نمی‌آمدند و یا ارزش نگارش نقد را نداشتند، در این مجله ثبت می‌شدند. از سال ۱۳۶۲ تا اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ که مطبوعات سینمایی گسترش یافتند، مجله‌ی فیلم جایی برای جذب تعدادی از نویسندگان جوان و عاشق سینما - که با نوشتن نقد در این مجله راه خود را یافتند - و دست‌اندرکاران قدیمی نقد - که در اوایل انقلاب خاموش شده بودند - به شمار رفت و نامهای جدیدی را به شهرت رسانید به دلیل وجود این مجله به مثابه تنها نشریه‌ی سینمایی، آن هم به مدت ۱۰ سال، بیش‌تر نویسندگان و منتقدان سینمایی که اکنون در مطبوعات دیگر نقد فیلم می‌نویسند، اولین قلم‌زنان هایشان در این مجله بوده است (به استثنای برخی از نویسندگان که از روزهای اول در مطبوعات دولتی نقد می‌نوشتند)؛ از

شیوه‌ی مطلق و به دور از هر گونه حواشی سیاسی و اجتماعی بود.

در سال‌های پیشین، «پرویز دوانی» که بیش‌تر به مضامین فیلم می‌پرداخت تا مسایل تکنیکی آن، گفته بود: «برای من مهم نیست که فیلم چه می‌گوید، بلکه مهم است که چگونه می‌گوید»؛ در این راستا، در همان سال‌ها که فیلم پروپاگاندا «پرده‌ی پاره» (آلفرد هیچکاک) در سینماهای تهران به نمایش درآمد بود، نقدی چندصفحه‌ی بر این فیلم نوشت و در نشریه‌ی «سپید و سیاه» به چاپ رساند. این مطلب در شرایطی نوشته شد که به فیلم «پایین قبیله‌ی شایین» جان فورد، که خود واعظ ضد نژاد سرخ‌پوست در سینمای وسترنش بود، اجازه‌ی دوبله داده نشد و این فیلم هیچ‌گاه به‌طور رسمی به اکران عمومی درنیامد.

نقد فیلم و مجله‌ی فیلم

نقد فیلم در سال‌های پس از انقلاب، دور از جنجال سیاست‌زدگی و با انتشار تنها مجله‌ی سینمایی آن سال‌ها یعنی «فیلم»، که شماره‌ی چهارم همان گاهنامه‌ها بود، آغاز گردید. در مرداد ۱۳۶۲، نقد ۱۰ فیلم در این مجله به چاپ رسید که همان خط‌مشی نقد‌های پیشین را دنبال می‌کردند. این نقدها نوعی کلی‌گویی و پرهیز از محوریت بحث و از مسایل فرعی یا فرامتنی بودند، بیش‌تر به ارزش‌های مستتر در فیلم پرداخته و سعی می‌کردند مباحث نظری سینما را بدون هیچ‌گونه گرایش رایج سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه مطرح کنند.

حسین گینی

از حدود سال‌های ۱۳۰۹، نخستین نوشته‌ها در زمینه‌ی نقد سینمایی در مطبوعات ایران دیده می‌شوند. نوشته‌های اولیه بیش‌تر در مورد آگاهی دادن کلی درباره‌ی فیلم و در واقع معرفی آن بودند تا نقد فیلم. در آن دوره، پاورقی‌نویسان مطبوعات ادبی به تفسیر و نوشتن درباره‌ی فیلمها هم مبادرت می‌کردند که این نوشته‌ها تا سال‌های دهه‌ی ۱۳۲۰ تداوم داشتند.

نقد فیلم از سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی ۱۳۳۰ در مطبوعات سینمایی باب شد و به‌طور کلی در مجله‌ی سینمایی «ستاره‌ی سینما» که از سال ۱۳۳۲ منتشر گردید، اتفاق افتاد. نگارش نقد فیلم، تا مقطع بحرانی سال ۱۳۵۷ هم چنان ادامه یافت. در ماه‌های اولیه‌ی این سال هر چند هنوز ستاره‌ی سینما منتشر می‌شد، اما نقدهای آن به گونه‌ی نبودند که در اذهان بمانند.

اولین نوشته‌های سینمایی سال‌های پس از انقلاب، بیش‌تر جملات قصار، شعارها و جمله‌سازی‌های فراوان، توأم با احساسات بسیار تند، درباره‌ی تعهد سینما و هنر به توده‌ها و خلق (!) را شامل می‌شدند. یکی از نشریات این سال‌ها، «گاهنامه‌ی سینمایی» بود که نویسندگان علاقه‌مندی در آن قلم می‌زدند.

با آن که منتقدان و نویسندگان قدیمی سینما شناخته‌شده بودند، اما با تغییراتی که در اکران مملکت ایجاد شده بود، دیگر آن آدم‌ها و آن نوشته‌ها با شرایط جامعه و به‌ویژه هنر که سروسامانی نداشت، هم‌نوایی نداشتند، ضمن آن که اهداف گاهنامه نیز بیش‌تر سینما به



همین رو از نظر حافظه‌ی تاریخی، مجله‌ی فیلم در پرورش منتقد و رواج نقد فیلم، نقش تعیین‌کننده‌ی دارد. پس از انتشار نشریات جدید هنری و سینمایی، بسیاری یا به آن نشریات رفته و یا خود به انتشار مجلات سینمایی اقدام کردند.

ظهور منتقدان و نشریات جدید هنری و سینمایی

با انتشار مجلات دیگر سینمایی و گشایش صفحات سینمایی در بیش‌تر نشریات غیرسینمایی، دامنه‌ی نقد گسترش یافت، شیوه‌های مختلف با نگرش‌های متفاوت نقد فیلم در مطبوعات باب شدند و نشریات وابسته به برخی از ارگان‌ها با نگاهی جدید و نو به سینما، منتقدان و نویسندگان جدیدی را پرورش دادند؛ حتی مطبوعات غیرسینمایی که صفحات سینمایی گشوده بودند، به فراخور خود به نقد فیلم می‌پرداختند. نقد فیلم از اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ به قدری گسترده و حتی پیچیده شده که بررسی آن نیاز به توان زیادی دارد. از نظر مضمون‌شناسی، نقدها در انواع مطبوعات (روزنامه، هفتنامه، دو هفتنامه، ماهنامه، فصلنامه و...) بیش‌تر از نوع «نقد موضوعی» بوده و نقد صنعت هنری در این میان، حضوری کم‌رنگ داشته و بندرت اشاره‌ی کارشناسانه به مباحث فنی می‌شد و می‌شود، آن هم در حد بازی خوب، نوع فیلمبرداری، نور و رنگ؛ اما از نظر سبک نگارشی، شیوه‌ی نقد «تئوری

مؤلف»، شیوه‌ی نگارش فیلم‌نوشته‌ها شده بود. این نوع نقد، بیش‌تر در مطبوعات تخصصی سینما حضوری مستمر و پیرنگ داشت. به دلیل تعدد مطبوعات غیرسینمایی، افزایش مطبوعات سینمایی و نیاز به نویسندگان بسیاری از مطبوعات با اعطای القاب منتقد و نویسنده‌ی سینمایی، خیل جوانان را به کار دعوت کردند در حالی که بیش‌تر آن‌ها نه به لحاظ علاقه و تخصص، بلکه به دلیل یافتن راهی برای ورود به بازار فیلمسازی وارد این عرصه شدند؛ هر چند تعدادی دوام نیاوردند و از گردونه خارج شدند اما آن‌ها که ماندند، بطبعه با نوشتن زیاد و تلاش مداوم، از حالت مبتدی گذر و کم‌کم ملارج بالای نوشتن را احراز کردند. از میان خیل این نویسندگان شاید بتوان به اندازه‌ی تعداد انگشتان دست، کارآموده و کارشناس یافت، چون منتقد فیلم علاوه بر شناخت همه‌جانبه‌ی سینما، باید قدری تاریخ، فلسفه، ادبیات، شعر، موسیقی و... هم بلدند و از نظر تئوری، خود را برای بازخورد از فیلم‌ها آماده سازد.

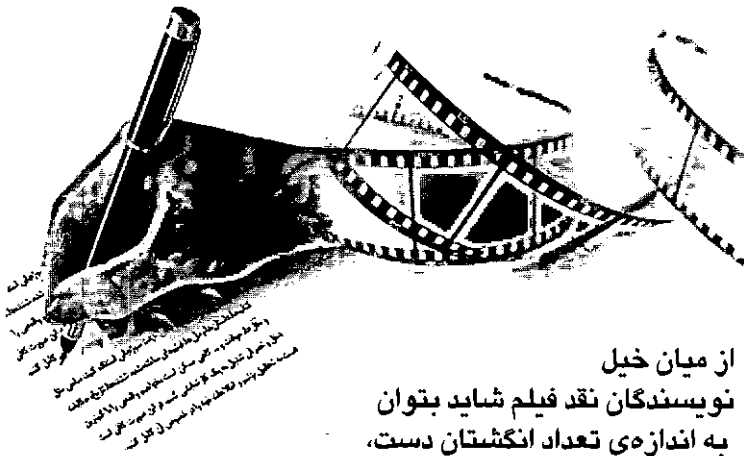
نقد فیلم در نشریات غیر سینمایی و سینمایی

از میان نشریات غیرسینمایی که بیش از سایرین به نقد فیلم پرداخته می‌توان به «جوانان امروز»، «زن روز»، «اطلاعات هفتگی» و «سروش» اشاره کرد. نشریاتی چون زن روز و اطلاعات هفتگی از سال ۱۳۶۳ به بعد دارای منتقد و نقد فیلم بودند،

نشریه‌ی سروش هر سال به تعداد نقدهایش افزود و مسیری صعودی را طی کرد تا این که در سال‌های ۸۴ - ۸۳ دارای چند صفحه‌ی عمدتاً سینمایی به صورت ویژه‌نامه شد که زیر نظر آقای «جبار آدین» به صورت تخصصی به سینمایی پرداخت.

دوماهنامه‌ی توقیف‌شده «آدینه» و «دنیای سخن»، با شیوه و دیدگاه خاص نشریشان به نقد فیلم می‌پرداختند و بیش‌تر این نقدها، نقد ادبی در میلان سینما بودند. با رونق گرفتن فیلمسازی و تعیین خط‌مشی از طرف سیاستگذاران فرهنگی کشور، دو روزنامه‌ی «اطلاعات» و «کیهان» با به‌کارگیری نویسندگان خاص، نقد سینمایی را در نشریات خود آغاز کردند در شرایطی که هر دو روزنامه با دو طرز تلقی از سینما که ناشی از تفکر گردانندگان صفحات سینمایی‌شان بودند، مطالب خود را نشر می‌دادند؛ در نشریه‌ی کیهان نوع جدیدی از تلقی سینمای دینی، رو به رشد نهاد که تفکر ویژه‌ی رادر عرصه‌ی فیلم و سینما بنیان گذاشت، اما اطلاعات با اقت و خیزهایی، به‌طور پیگیر نقد فیلم را گسترش نداد.

نشریه‌ی ورزشی «هدف» صفحه‌ی کامل را به سینما اختصاص داد که در زمان گشودن آن، مجلات سینمایی غیر از فیلم در کشور وجود نداشتند. با اباره کردن این صفحه توسط منتقد و نویسنده‌ی سینمایی، «پرویز نوری» که سابقه‌ی طولانی در امور سینما داشت، نقد فیلم و اخبار سینمایی (به‌ویژه خارجی)



از میان خیل نویسندگان نقد فیلم شاید بتوان به اندازه‌ی تعداد انگشتان دست،

کار آزموده و کارشناس یافت، چون منتقد فیلم علاوه بر شناخت همه‌جانبه‌ی سینما، باید قدری تاریخ، فلسفه، ادبیات، شعر، موسیقی و ... هم بداند و از نظر تئوری، خود را برای باز خورد از فیلم‌ها آماده سازد

دهه‌ی پیش و به دلیل حضور نمایش خانگی و در دسترس بودن آثار سینمایی جدید و خواندن نشریات سینمایی جهان، از نظر نگرش و دیدگاه فیلم‌شناسانه در سطح بالایی قرار دارد.

نقد خاص رادیویی و تلویزیونی!

نقد فیلم در رادیو و تلویزیون، به لحاظ ابعاد شنیداری آن، نقد خاصی است که در مقوله‌ی نوشتاری نمی‌توان آن را ارزیابی کرد، چرا که این نوع نقد در زمان، جاری شده و مخاطب از طریق چشم یا گوش با آن ارتباط می‌یابد، پس همچون نقد نوشتاری آن قدر قابل اعتنا از نظر ارزش‌های هنری نیست. از نیمه‌های دهه‌ی ۱۳۷۰ با افزایش کمی نشریات سینمایی، نشریات تازه تأسیس شده آدم‌های جدیدی را برای نگارش نقد می‌طلبیدند. این رویداد حجم بالایی از نویسندگان ریز و درشت را گرد این نشریات جمع کرده و نمونه‌های مختلفی از فیلم‌ها را انتشار داد. نشریات «دنیای تصویر»، «سینما تئاتر»، «فیلم و سینما»، «هیپ‌خ»، «صنعت سینما»، «نقد سینما» و ... از جمله نشریاتی هستند که در سال‌های اخیر در قوام سینما و مقوله‌ی نقدنویسی سهم بسزایی داشته‌اند.

اکنون نیز غالب مجلات و روزنامه‌ها با اختصاص صفحه یا صفحاتی به هنر و سینما، در اعتلای نوشتار سینمایی و تولید آثار ارزشمند سینمایی می‌کوشند؛ سعی‌شان مستدام و خدا یاورشان باد ■

سینمایی جدید به قدر گسترش، گسترده و پیچیده شده و توان زیادی برای بررسی آن نیاز است. از نظر مضمون‌شناسی نقد فیلم، نقدهای این دهه، کم‌تر صنعتی و بیش‌تر نقد مضامین فیلم‌ها بودند و کم‌تر نقدی اشاره‌ی کارشناسانه به مباحث فنی داشت و عمدتاً اشارات در حد بازی، نوع فیلمبرداری و نور بود با گسترش و چاپ نشریات سینمایی - حداقل ۱۸ نشریه - و صفحات سینمایی نشریات غیرسینمایی نیاز به نویسنده بیش‌تر شد و نویسندگان جوان و مبتدی به این نشریات وارد شدند و به سرعت لقب منتقد به خود گرفتند و کم‌کم و بعدها دارای تجربه شدند. هنوز مرز «نویسنده‌ی سینمایی» و «منتقد سینمایی» مشخص نشده بود که این عده به خاطر سرعت در نگارش و پیگیری در امر آموختن سینما از مبتدی گذر کرده و به مدارج بالای نوشتن صعود کردند، اما زمان بسیاری می‌خواهد که از میان خیل این نویسندگان، کارشناس و کارآزموده‌ی خود را بروز دهد، چون منتقد فیلم کسی است که علاوه بر شناخت همه‌جانبه‌ی سینما، از تاریخ، فلسفه، ادبیات، شعر، موسیقی و ... نیز به قدر کفایت بداند.

نقد فیلم در دهه‌ی ۸۰

پس از ۳۰ سال نگارش برای نشریات سینمایی و غیرسینمایی، نسلی تربیت شد که به یمن ارتباطات سریع، اینترنت، خیل نشریات و انتقال سریع اخبار و اطلاعات، در مقایسه با سه

به‌طور مستمر چاپ می‌شدند تا اواخر دهه ۱۳۷۰، که نوری به خارج از کشور کوچ کرد و نقد فیلم در آن تعطیل شد. نوشته‌ها، اخبار و نقدهای هدف در دوره‌ی تصدی پرویز نوری، از نوشتارهای قابل در عرصه‌ی سینما بودند. در همین زمان هفتنامه‌ی تخصصی «سینما» با حضور سینمایی‌نویسان شناخته‌شده‌ی کشور، «غلامرضا موسوی»، «فریدون جیرانی» و «جبار آدین»، پا به عرصه‌ی مطبوعات گذاشت و به سهم خود در گسترش سینمایی‌نویسی و نقدنگاری کوشید.

هفتنامه‌ی «مید جوان» هم با به‌کارگیری یک منتقد و نویسنده‌ی قدیمی سینما که با اسامی مستعار به نقد فیلم می‌پرداخت و نوعی نقد که بیش‌تر مضمون و کارکرد تماتیک فیلم را مد نظر قرار می‌داد تا سال‌ها به این مقوله ادامه داد.

با انتشار مجله‌ی «گزارش فیلم» در اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ و آمدن دو نویسنده و خبرنگار قدیمی به آن، نقد فیلم از طریق نویسندگان عمدتاً جوان و تازه‌کار شروع شد که البته به‌طور مستمر این مقوله را جدی نگرفتند و با ملاحظه‌ی شماره‌های این نشریه، نمی‌توان دیدگاه خاصی را در گذر نقد در آن جستجو کرد. نشریه‌ی «فرهنگ و سینما» بعد از مجله‌ی فیلم، با به‌کارگیری افراد مجرب به‌طور جدی به مقوله‌ی نقد فیلم پرداخت و به دلیل نوع تفکر سینمایی که از ناشر آن - که مدیرمسئول، صاحب‌امتیاز و سردبیرش هم است - می‌آمد، این مقوله در آن در واقع محل برخورد اندیشه‌ها شد. این نشریه در طول چاپ این‌گونه مطالب نشان داد که طرز تلقی‌های مختلف درباره‌ی یک فیلم را به چاپ می‌رساند، حتی عقاید ضد و نقیض درباره‌ی یک فیلم را نیز درج می‌کرد و هنوز هم این روال را ادامه می‌دهد.

در نگاهی غام به مقوله‌ی نقد فیلم، به غیر از دو نشریه‌ی «اطلاعات هفتگی» و «فیلم‌نگار» که نویسندگانشان شیوه‌ی تلقی خود را حفظ کرده‌اند، سایر نشریات که نویسندگان جوان را به این عرصه آوردند، آن قدر جوان بودند که نمی‌توان بررسی کلی در مورد آن‌ها انجام داد، مگر این‌که این بررسی را به زمان دیگری بسپاریم.

نقد فیلم در دهه‌ی ۷۰

نگارش نقد فیلم در دهه‌ی ۷۰ به دلیل تعدد نشریات سینمایی و پیدایش نویسندگان